



مقدمه

«طرح‌های جنگل‌داری» یا «طرح تنفس جنگل»، کدام یک؟ دوگانه‌ای ناموجه و باطل!

علی علیزاده علی‌آبادی^{۱*}

دور مرسوم و معمول بوده است، برداشت‌های قانونی و با مجوزهای صادره از سوی دولت، جملگی در دوره قاجار آغاز شده‌اند، آن‌هم بیشتر توسط خارجی‌ها، برای صادرات چوب به خارج. یکی از اولین قراردادهای منعقد، برای قطع یک‌سره چوب و صادرات آنها به خارج، مربوط به سال ۱۲۵۱ (هـ.ش) و در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۲۶-۱۲۷۴)، با فردی انگلیسی به نام «بارون رویتر» به‌ازای پرداخت ۱۵ درصد از سود حاصله به دولت بوده است. ورود برادران کوسیسی به تجارت چوب ایران، مهم‌ترین اتفاق در این زمینه، هم از نظر میزان برداشت و هم مدت‌زمان آن بوده است. برادران کوسیسی، که یونانی‌الاصل و تبعه روسیه بودند، در ۱۲۶۲ (هـ.ش.) امتیاز حمل چوب شمشاد را از دولت ایران گرفتند و صدهزار اصله چوب شمشاد را از اهالی مازندران و گیلان خریدند و به روسیه صادر کردند و مبلغ هزار و پانصد تومان به دولت ایران پرداختند. آنها در سال ۱۲۶۸ (هـ.ش.)، نخستین امتیاز بهره‌برداری انحصاری از جنگل‌های شمال را از دولت ایران گرفتند. قرارداد یادشده دوباره و در سال‌های ۱۲۷۳ و ۱۲۷۸ (هـ.ش.) تمدید شد و در سال ۱۲۸۵ (هـ.ش.) (۱۹۰۷ میلادی) خاتمه یافت. آنها مجاز به حمل صدهزار اصله تنه درخت در سال بودند، اما سالانه چهارصد هزار درخت گران‌بهای شمشاد را قطع و به خارج حمل می‌کردند. قطع بی‌رویه درختان به‌ویژه درختان گردو و شمشاد، آنها را در معرض نابودی قرار داد. در آن زمان، چوب درختان شمشاد و گردو در روسیه برای ساخت وسایل چوبی به‌ویژه در کارخانه‌های اسلحه‌سازی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. در سال ۱۲۹۰ (هـ.ش.) افراد دیگری نیز از کشور روسیه، امتیازاتی را برای برداشت و حمل چوب به خارج گرفتند. در سال ۱۳۰۲، جنگل‌های دولتی آستارا به‌مدت پنج سال به شرکت یونانی «ساندی‌پوز» و هم‌زمان جنگل‌های طوالش به پیمانکاران فرانسوی و سوئدی اجاره داده شد. شرکت سوئدی، پس از انقضای مدت قرارداد، به‌مدت سه سال مجوز قطع درختان شمشاد مازندران را کسب و چوب حاصل را به روسیه صادر کرد.

در این مقاله، ابتدا به سابقه بهره‌برداری از جنگل‌های شمال و روند تکاملی آن، اعم از برداشت‌های معیشتی، تجاری و صنعتی قبل و بعد از ابلاغ طرح‌های جنگل‌داری شامل برداشت‌های چوب توسط بومیان محلی برای ساخت منزل و ابزار و وسایل زندگی‌شان، برداشت‌های قانونی و با مجوزهای صادره از سوی حکومت‌های وقت، توسط خارجی‌ها، برای صادرات چوب و سپس شرکت‌های ایرانی برای مصارف داخلی و درنهایت بهره‌برداری در چهارچوب «طرح‌های جنگل‌داری» اشاره شده است. آنگاه پس از بیان روند تکاملی طرح‌های جنگل‌داری از پناهی به تک‌گزینی، گروه‌گزینی و شیوه‌های همگام با طبیعت، چگونگی نیل توجهات مردم و مسئولین به سمت ارزش‌های فراچوبی جنگل‌ها و به زیر سؤال بردن طرح‌های جنگل‌داری به‌عنوان متهم اصلی همه بلایا و خسارت‌های وارده به جنگل‌ها، در طول ۶۰ سال اجرای این طرح‌ها و تلاش برای توقف آنها، به‌عنوان دوا و نوش‌داروی تمامی آلام جنگل‌های شمال، به ارائه مزایا و معایب طرح‌های جنگل‌داری، از یک‌سو و طرح تنفس جنگل‌ها، از سوی دیگر، پرداخته شده است. در پایان برای برون‌رفت از چالش‌های پیش‌رو، تدوین هرچه سریع‌تر طرح مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی و جنگل‌داری نوین، با استفاده از همه ظرفیت‌های علمی کشور، به‌ویژه مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور پیشنهاد شده است. طرحی که باید به‌طور جدی به همه جنبه‌های مدیریتی جنگل‌ها توجه کند و از تمام نقاط قوت و ظرفیت‌های مندرج در هر دو طرح جنگل‌داری و تنفس جنگل، با پرهیز از هرگونه سوگیری، حداکثر استفاده به عمل آید، تا ضمن بهره‌مندی از این سرمایه ارزشمند، به اصلاح، احیا و توسعه آن نیز اهتمام لازم ورزیده شود.

سابقه بهره‌برداری از جنگل‌های شمال و روند تکاملی آن
الف) برداشت‌های معیشتی و تجاری قبل از ابلاغ طرح‌های جنگل‌داری

صرف‌نظر از برداشت‌های چوب توسط ساکنان محلی برای ساخت منزل و ابزار و وسایل زندگی‌شان، که از گذشته‌های

*- نویسنده مسئول، دانشیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران. پست الکترونیک: aalizadeh1340@yahoo.com



ب) برداشت‌های صنعتی برای داخل، قبل از ابلاغ طرح‌های جنگل‌داری

اولین استفاده صنعتی چوب در کشور، در زمان نادرشاه افشار (۱۰۶۷-۱۱۲۵ هـ ش) است که از چوب‌های جنگل‌های شمال برای کشتی‌سازی در دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان استفاده شده است، که مقاطعه‌کاران داخلی، از سال ۱۳۰۰ به بعد جانشین پیمانکاران خارجی شدند و برداشت چوب توسط آنها برای مصرف داخلی انجام می‌شد. شرکت چوب‌بری «تمیشان» در سال ۱۳۰۴ تأسیس شد و تا سال ۱۳۳۵ به کار خود ادامه داد. شرکت چوب ایران نیز، در سال ۱۳۰۸ در پل سفید برای بهره‌برداری از جنگل‌های منطقه تأسیس شد و با شروع ساخت راه‌آهن سراسری (در سال ۱۳۰۵) و نیاز مبرم به تراورس، فعالیت آنها و سایر پیمانکاران داخلی به شدت گسترش یافت. عمده برداشت‌ها، از جنگل‌های جلگه‌ای و اطراف جاده‌ها، که خروج چوب از آنها آسان‌تر بود، انجام می‌شد، که موجب نابودی قسمت اعظم جنگل‌های جلگه‌ای، به‌ویژه در مرکز مازندران شد. این رویه کم‌وبیش تا سال ۱۳۳۸ ادامه داشت، که منجر به تخریب وسیع جنگل‌ها و نابودی نسبی گونه‌های با ارزشی، نظیر شمشاد و گردو شد.

ج) بهره‌برداری‌های بعد از ابلاغ طرح‌های جنگل‌داری

پس از تشکیل سازمان جنگل‌ها و تصویب قانون جنگل‌ها و مراتع کشور در سال ۱۳۳۸، طبق ماده چهار این قانون، بهره‌برداری از جنگل‌ها، باید از طریق تهیه و اجرای «طرح جنگل‌داری» انجام می‌شد. از اهداف مهم طرح‌های جنگل‌داری «به تعادل رساندن جنگل» است. از نگاه مدیریت جنگل، هدف از اجرای طرح‌های جنگل‌داری، ابتدا اصلاح جنگل (هدف اصلی) و سپس تولید محصول (هدف فرعی) بود. این هدف در سیاست سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به شکل: حفاظت، احیا، توسعه و بهره‌برداری آمده است. در جنگل‌داری هم‌زمان تولید محصول، استفاده از سایر خدمات جنگل، پایداری جنگل و حفظ اکوسیستم جنگلی مدنظر است. از سال ۱۳۳۸ بهره‌برداری از جنگل‌های شمال براساس طرح‌های جنگل‌داری (که ابتدا با کمک کارشناسان خارجی و در نهایت، توسط تیم کاملی از متخصصین در سازمان منابع طبیعی وقت تهیه می‌شدند) آغاز شد. نخستین طرح جنگل‌داری، برای جنگل‌های منطقه «لوه» در شهرستان مینودشت استان گلستان تهیه شد.

برای تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری اقداماتی از جمله این موارد به صورت منظم انجام می‌شد: مطالعه جنگل از لحاظ کمی و کیفی (آماربرداری و تشریح)، تعیین میزان تولید سالانه جنگل در هکتار، تدوین کتابچه طرح جنگل‌داری براساس داده‌های جمع‌آوری شده، تصویب در کارگروه فنی اداره کل و در نهایت شورای عالی جنگل، ابلاغ به دست‌اندرکاران اجرایی طرح، نشانه‌گذاری درختان برای قطع، قطع درختان نشانه‌گذاری شده، حمل درختان قطع شده به خارج از جنگل و واکاری و احیا و نگهداری قطعات برداشت شده. در ضمن، شرکت‌های متعددی تشکیل شدند و آغاز به کار کردند.

روش‌های بهره‌برداری پیشرفته و صنعتی جایگزین روش‌های سنتی شدند. جاده‌های جنگلی متعددی ساخته شد. انواع ماشین‌های بهره‌برداری جنگل، وارد جنگل شد. نیروی انسانی ماهر و متخصص فراوانی برای ساخت راه‌ها، به‌کارگیری ماشین‌آلات و خروج چوب از جنگل‌ها، تربیت و استخدام شد. واحدهای اداری و بازرگانی مختلف برای تولید انواع فراورده‌های جنگلی تشکیل شد. کارخانه‌های بزرگ چوب و ثوابان، تخته سه‌لا، امدی‌اف و انواع کاغذ راه‌اندازی شد. سطح جنگل‌های دارای طرح جنگل‌داری به تدریج افزایش یافت، به طوری که در این اواخر، بیشتر جنگل‌های شمال دارای طرح جنگل‌داری شدند.

د) روند تکاملی طرح‌های جنگل‌داری

شیوه بهره‌برداری از جنگل‌های شمال از «پناهی» به «تک‌گزینی» و «گروه‌گزینی» تغییر کرد. ابزارها و ماشین‌های قطع و حمل چوب، کارآمدتر شد. مدیریت جنگل‌های هیرکانی از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۶۰، بر طرح‌های کلاسیک متمرکز بود. از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۵، براساس شیوه‌های کلاسیک دانه‌زاد هم‌سال، قطع یک‌سره و شیوه‌های تدریجی پناهی و برداشت چوب در دوره‌های متفاوت و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲ براساس شیوه‌های تک‌گزینی و برداشت غیرمتمرکز بود. طرح‌های جنگل‌داری از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶، براساس شیوه‌های همگام با طبیعت و توجه به پایداری اکوسیستم و تنوع زیستی در قالب برداشت‌های غیرمتمرکز تدوین شدند. از مجموع ۱/۸ میلیون هکتار وسعت جنگل‌های شمال، برای بیش از ۱/۳ میلیون هکتار آن، نزدیک به ۵۰۰ طرح جنگل‌داری تهیه و اجرا و حدود هشت هزار کیلومتر جاده جنگلی در شمال برای اجرای این طرح‌ها ساخته شد. طرح‌های جنگل‌داری موجب اشتغال حدود ۸ هزار نفر به صورت مستقیم و ۳۷ هزار نفر به صورت غیرمستقیم شده است. این آمار شامل ۱۵۰ هزار نفر مشاغل مستقیم و غیرمستقیم بخش صنعت چوب نمی‌شود.

نیل توجهات به سمت ارزش‌های فراچوبی جنگل‌ها

به تازگی با توسعه دانش اکولوژی و محیط‌زیست و آشنایی عموم مردم با آن، به ارزش‌های غیرچوبی جنگل‌ها و نیز ارتقای شاخص‌های پایداری جنگل‌های هیرکانی در طرح‌های جنگل‌داری توجه بیشتری شده است. جنگل‌ها بیش از ۳۳ نوع خدمت ارائه می‌دهند، از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تولید اکسیژن، ترسیب کربن، تعدیل اقلیمی و افزایش ظرفیت گرمایی زمین، ذخیره آب، مهار فرسایش پاشمانی (برخورد مستقیم ذرات باران به سطح

خاک)، آشیانه‌سازی برای جانوران، تقویت تنوع زیستی، مهم‌ترین منابع تأمین غذا برای حیات وحش، تولید میوه‌های جنگلی و چوب و چندین خدمت اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و تفریحی دیگر. جنگل‌ها توان بالایی در ذخیره آب دارند، از ۳۰۰ مترمکعب در هکتار در جنگل‌های پراکنده، تا ۲۵۰۰ مترمکعب در هکتار جنگل‌های مترکم و کیفی. با احتساب متوسط ۱۵۰۰ مترمکعب ذخیره آب در هکتار، جنگل‌های شمال سالانه سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره می‌کنند (کمی بیشتر از سد کارون). در شمال کشور ۱۸۰۰ گونه گیاهی وجود دارد. هر هکتار جنگل ۲/۵ تن اکسیژن در سال تولید می‌کند، که معادل اکسیژن موردنیاز ده نفر انسان است. هر هکتار جنگل ۶۸ تن گردوغبار را در سال جذب می‌کند.

در همین رابطه، فقر کشور از جنگل و اندک بودن میزان جنگل بر اهمیت موضوع می‌افزاید. ایران با حدود ۱۴ میلیون هکتار جنگل از نظر پوشش جنگلی فقیر و جزو کشورهای با پوشش کم جنگل به‌شمار می‌آید. سطح جنگل‌های شمال از بیش از پنج میلیون هکتار، در دهه ۱۳۳۰، هم‌اکنون به یک میلیون و هشتصد هزار هکتار کاهش یافته است، که نیمی از آنها مخروبه‌اند. سرانه جهانی جنگل، ۰/۸ هکتار است، در حالی که این سرانه در ایران ۰/۱۷ هکتار است. یعنی سهم ایرانی‌ها از جنگل کمتر از یک چهارم سرانه جهانی است.

چالش‌هایی مانند زوال جنگل‌های شمال، طغیان آفات و بیمارگرهای گوناگون (طغیان ۴۵ گونه آفت در سطحی حدود ۳۵۰ هزار هکتار از جنگل‌های شمال در طول ۵ سال)، رشد میزان آتش‌سوزی در جنگل‌های شمال کشور، فصلی شدن بسیاری از ۱۳۰ رودخانه دائمی که از جنگل‌های شمال کشور سرچشمه می‌گیرند، از بین رفتن میلیون‌ها اصله درخت ۳۰۰ ساله شمشاد بومی جنگل‌های ایران، در سال‌های اخیر و بسیاری از مخاطرات و چالش‌های دیگر نیز موجب جلب توجه همگان به این عرصه‌های گران‌بها شده است.

اهمیت جنگل‌های ایران از لحاظ قدمت بسیار زیاد آنها، نیز مورد توجه همگان قرار گرفته است. حدود ۶۰۰ هزار سال پیش، بیشتر جنگل‌های نیمکره شمالی زمین، زیر یخچال‌ها مدفون و بیشتر جنگل‌های اروپا به چمن‌زار تبدیل شدند، اما جنگل‌های شمال مصون ماندند. جنگل‌های شمال ایران، باقی‌مانده جنگل‌های دوران سوم زمین‌شناسی هستند و قدمتی بیش از یک میلیون (یا شاید بیش از ۴۰ میلیون) سال دارند. این در حالی است که جنگل‌های اروپایی قدمتی حدود ده تا ۱۲ هزار سال دارند.

برگزار شد (تیرماه سال ۱۳۹۸)، بخش‌هایی از جنگل‌های هیرکانی با تأیید اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) به‌عنوان میراث طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی قرار گرفت. این بخش‌ها شامل پارک ملی گلستان، جنگل ابر، افراخته، جهان‌نما، بولای دودانگه و چهاردانگه، جنگل الیمستان هراز در آمل، جنگل واز حوزه کجور نوشهر، چهارباغ چالوس، جنگل خشکه‌داران، جنگل رودخان، سیاه رودبار گیلان، منطقه حفاظت‌شده لیسار هستند که در مجموع ۳۰۷ هزار هکتار وسعت دارند و در پنج استان گلستان، مازندران، گیلان، سمنان و خراسان‌شمالی واقع شده‌اند.

طرح‌های جنگل‌داری متهم اصلی همه بلایا و توقف آن، دوای تمامی آلام جنگل‌های شمال

برداشت‌های بی‌رویه، غیرقانونی و خارج از چهارچوب طرح‌ها، در سال‌های اجرای طرح‌های جنگل‌داری، بهره‌کشی بیش از ظرفیت جنگل‌ها، روند کاهش سطح و کیفیت جنگل‌های شمال، تغییر اقلیم و خطر زوال تدریجی جنگل‌ها و نابودی و انقراض گونه‌های ارزشمند جنگلی از یک سو و توجه بیشتر به اهمیت محیط زیستی جنگل‌های شمال و تأکید بیشتر بر سایر نعمت‌ها، مزایا، فواید و کاربردهای جنگل و ناچیز برشمردن ارزش چوب در برابر سایر مزایای جنگل از سوی دیگر، به‌مرور حامیان محیط‌زیست و متخصصین و دانشمندان حوزه جنگل‌ها را بر آن داشت تا ضمن برشمردن معایب برداشت چوب از جنگل، در پی توقف، یا کاهش چشمگیر آن شوند. به‌طورکلی، توجه بیشتر مردم به ارزش و اهمیت جنگل‌های کشورمان، به‌ویژه جنگل‌های هیرکانی، موجب تقویت جلوگیری از هر گونه برداشتی از این جنگل‌ها شد. بسیاری معتقد بودند «طرح‌های جنگل‌داری» از اهداف و شرح مأموریت‌های خود و چهارچوب‌های علمی و کارشناسانه خود منحرف و به «طرح‌های چوب‌بری» تبدیل شده‌اند و باید تعطیل شوند. اگرچه فشار افکار عمومی و تغییر برخی از سیاست‌ها در سازمان منابع طبیعی، برای هم‌گامی با برنامه‌های جهانی و تنوع‌بخشی در استفاده از سایر جنبه‌های جنگل و نیز آزاد شدن واردات چوب موجب شد تا بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، که در سال ۱۳۵۸ بیش از سه میلیون مترمکعب چوب در سال بود، در سال ۱۳۷۳ به دو میلیون مترمکعب و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۸۰۰ هزار مترمکعب و در سال ۱۳۹۵ به حدود ۵۵۰ هزار مترمکعب کاهش یابد، اما این روند به‌هیچ‌وجه مطلوب منتقدین طرح نبود، تا اینکه براساس پیشنهادی از طرف سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۳۹۶، مجلس با همکاری دولت یازدهم توانست با گنجاندن یک بند (بند ف) در ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجرای طرح‌های جنگل‌داری را متوقف کند. براساس این بند، که از آن به‌عنوان «قانون تنفس جنگل‌ها» یاد می‌شود، از سال ۹۶ تاکنون هرگونه بهره‌برداری چوبی از جنگل‌های کشور ممنوع شده است، براساس این قانون، تنها در سه سال اول اجرای این برنامه، یعنی از ۹۶ تا ۹۸، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، می‌توانست به پیمانکاران طرح‌های جنگل‌داری که پیش از شروع برنامه ششم

مجاز گرفته بودند، اجازه بدهد تا فقط درختان شکسته، افتاده و ریشه‌کن را از عرصه‌های جنگلی برداشت کنند. سازمان منابع طبیعی مکلف شده بود تا پایان سال سوم اجرای برنامه، یعنی سال ۹۸، «طرح‌های جایگزین مدیریت پایدار جنگل‌ها» را برای تمام عرصه‌های جنگلی کشور تدوین کند. قرار بود، طی یک برنامه پنج‌ساله، به‌صورت جداگانه برای هر کدام از ۱۰۴ حوزه آبخیز جنگل‌های شمال، طرح‌های مدیریت پایدار در سه فاز نیمه‌تفصیلی، تفصیلی و اجرایی تدوین و اجرا شود. متأسفانه به علل و دلایل گوناگون، این امر مهم تاکنون تحقق نیافته است. در ماده ۳۶ لایحه برنامه هفتم نیز همچنان بر اصل ممنوعیت برداشت چوب از عرصه‌های جنگلی کشور تأکید شده است و سازمان منابع طبیعی مکلف است، طرح‌های جنگل‌داری نوین را تدوین کند و اقدامات مربوط به حفظ و احیای جنگل‌ها را در طول برنامه هفتم فقط براساس این طرح‌ها اجرا نماید.

طرح تنفس، انقلابی ناقص و نارس در رویه‌ای ۶۰ ساله

با نگاهی به نحوه اجرای طرح تنفس جنگل، به‌سرعت در خواهیم یافت که این طرح (چه موافق و چه مخالف آن باشیم)، به‌طور کامل اجرا نشده است. براساس این طرح مقرر شده بود:

- ۱- هرگونه بهره‌برداری چوبی از درختان جنگل‌های کشور از ابتدای سال چهارم اجرای قانون برنامه ششم، ممنوع شود.
 - ۲- بهره‌برداری چوبی در سال‌های اول تا سوم اجرای قانون برنامه ششم توسعه، فقط از درختان شکسته، افتاده و ریشه‌کن باشد.
 - ۳- طرح‌های جنگل‌داری ادامه‌دار، متوقف و خسارت حاصله تعیین و در بودجه سنواتی درج شود.
 - ۴- طرح جایگزین مدیریت پایدار جنگل، توسط سازمان منابع طبیعی تدوین و اجرا شود.
 - ۵- برداشت درختان جنگلی برای طرح‌های عمرانی و بهره‌برداری از درخت‌کاری و جنگل‌کاری‌ها مجاز شود.
 - ۶- زراعت چوب و واردات مواد اولیه صنایع مرتبط با چوب (سلولزی) توسعه یابد.
 - ۷- دولت در قبال توقف اجرای طرح‌های جنگلداری اعتباری را در اختیار سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت قرار دهد.
- به‌طور خلاصه، قرار بود طرح‌های بهره‌برداری متوقف و به‌سرعت طرحی جامع برای مدیریت پایدار جنگل‌ها تدوین و اجرا شود. اما متأسفانه طرح‌ها متوقف شدند و هرگز چیزی جایگزین آنها نشد. قرار بود، در طرح «مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی» سیاست کلی، اصول طراحی، اهداف، معیارها و شاخص‌ها، نحوه انجام مطالعات، نحوه اجرا و پایش و مستندسازی و ارزشیابی، طوری تدوین شود تا از تداوم پویا و پایدار اکوسیستم‌های جنگلی و حفظ و تقویت کمی و کیفی این گنجینه ارزشمند اطمینان لازم حاصل شود. در این طرح‌ها قرار بود پایداری و ارتقای اکوسیستم‌های طبیعی در حوزه آبخیز، حفظ و بهبود تنوع زیستی (گیاهی و جانوری)، افزایش توان پایداری اکوسیستم جنگلی در برابر تغییرات اقلیمی و پیامدها و

مخاطرات زیست‌محیطی، ممنوعیت بهره‌برداری چوب با هدف اقتصادی و استفاده از سایر ظرفیت‌های غیرچوبی منابع جنگلی بر مبنای ارزیابی توان اکولوژیک، ارتقای سطح فرهنگ عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تبیین جایگاه مردم و جوامع محلی و مشارکت آنان در حفاظت، شناسایی شود و استفاده خردمندانه از استعدادها و غیرچوبی حوزه‌های آبخیز جنگلی، ایجاد هم‌گرایی و هم‌سویی بین نظام آموزش عالی، تحقیقات کاربردی و دستگاه‌های اجرایی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

برداشت قانونی چوب از جنگل متوقف شد اما:

- ۱- تاکنون طرح جایگزین یا «طرح مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی» تدوین و ابلاغ نشده است.
- ۲- فکری برای برداشت‌های غیرقانونی و قاچاق چوب نشده است.
- ۳- حفاظت و جنگلبانی تضعیف شده است.
- ۴- ورود دام‌های سنگین به جنگل و تعریف نهال‌های تازه‌روبیده بیشتر شده است.

۵- نگهداری و ترمیم زیرساخت‌ها از جمله ابنیه و راه‌های جنگلی و نیز حفاظت از مناطق قرق‌شده با مشکلات جدی روبه‌رو شده است.

۶- تصمیمی علمی، کارشناسانه و قابل‌قبول همگان، برای درختان شکسته، افتاده و ریشه‌کن اتخاذ نشده است.

۷- هشت سال پس از اجرای طرح تنفس، هنوز هیچ مورد و مصدافی از موفقیت‌های طرح تنفس در عرصه جنگل‌ها، یا توضیح و تحلیل علمی دقیق و قاطعی از مزایای غیرقابل‌انکار این طرح، در مقایسه با زمان اجرای طرح‌های جنگل‌داری، به افکار عمومی ارائه نشده است.

مهم‌تر از همه این موارد، رویه‌ای که (چه درست و چه غلط) حدود ۶۰ سال در کشور، به معنی دقیق کلمه، «نه‌ادینه» شده بود و از مرحله انجام مطالعات تا تدوین و تصویب طرح‌ها، تا ایجاد و نگهداری راه‌ها، تا اجرای طرح در جنگل و خروج چوب از جنگل، تا واکاری، احیا و نهال‌کاری قطعات برداشت‌شده و حفاظت از آنها، تا به حرکت در آمدن صدها واحد صنایع کوچک و بزرگ صنعت چوب و بازرگانی فراورده‌های آن، تا کسب درآمدهای عمومی که فرایند حفاظت و توسعه جنگل‌ها را توسط سازمان منابع طبیعی تسهیل و ممکن می‌نمود، که همه و همه به‌صورت یک زنجیره منسجم، به‌هم‌پیوسته و کامل با ده‌ها هزار نیروی انسانی ماهر و متخصص ایفای نقش می‌کردند، به یک‌باره متوقف شد. اگرچه بسیاری معتقدند این توقف، برکاتی را از جمله حفظ درختان ارزشمند جنگلی، بازگشت حیات وحش و تقویت تنوع زیستی و کاهش تخریب بی‌رویه جنگل به‌همراه داشته است، اما به‌دلیل نبود طرحی جایگزین، عوارضی جدی و غیرقابل‌انکار را نیز به‌دنبال داشته است. به نظر می‌رسد در صورتی که شرایط، به همین

منوال طی شود، به تدریج و در بلندمدت شاهد غلبه مضار و زیان‌های آن بر فواید آن خواهیم بود. متأسفانه هم‌اکنون نیز برخی از این آسیب‌ها یکی پس از دیگری خودنمایی می‌کنند.

طرح ناموجه و غیرکارشناسانه دوگانه «بهره‌برداری یا تنفس»

تلاش نگارنده این مقاله به هیچ‌وجه طرح دوگانه بهره‌برداری یا تنفس نیست، تا از این طریق یکی را به نفع دیگری تضعیف یا رد و آن دیگری را تقویت، تقدیر و تمجید کند. هیچکس نمی‌تواند (یا حداقل نباید) منکر مزایای هر دوی این روش‌ها شود.

الف) مزایای طرح‌های جنگلداری

داشتن طرح و برنامه برای مدیریت جنگل ضروریست. در طرح‌های جنگلداری، بهره‌برداری چوب از جنگل (Forest Harvesting) براساس قواعد و دستورالعمل‌های مشخص و تجربه‌شده بین‌المللی است و دیدگاه جنگل‌شناسی اکولوژی-اقتصادی، همگام با طبیعت انجام می‌شود، که می‌تواند به حفظ و پایداری روزافزون آن بیانجامد.

جنگل‌ها منابع زنده و بومیایی هستند که اگر به‌درستی از آنها بهره‌برداری شود، هرگز موجودی آنها (چه از نظر کمیت و چه کیفیت و تنوع آن) کاهش نخواهد یافت. جنگل‌های تخریب‌شده اگر به حال خود رها شوند، هرگز احیا نخواهند شد، بلکه روزبه‌روز خراب‌تر خواهند شد. جنگل‌هایی که بدون طرح هستند، بیشتر مورد تخریب و تجاوز، تغییر کاربری، چرای دام و قاچاق چوب قرار می‌گیرند. معمولاً در طرح‌های جنگلداری، مجریان طرح‌ها هستند که به جای قرق‌بانان جنگل را در مقابل آتش‌سوزی، سیلاب، توفان، برف، ورود دام و قاچاق چوب حفظ می‌کنند.

توقف طرح‌های جنگلداری موجب افزایش قیمت چوب و در پی آن، قاچاق چوب خواهد شد. برداشت چوب توسط قاچاقچیان در مقایسه با برداشت اصولی، خسارتی چندین برابر به‌همراه خواهد داشت. قاچاقچیان، درختان جوان و کم‌قطر را، ده‌ها سال زودتر از موعد، برداشت می‌کنند، نه درختان انتخاب شده از طریق کارشناسی و دیدگاه جنگل‌شناسی مناسب بر اساس کتابچه طرح مدیریت جنگل.

در جنگل‌های شمال، ۵۰ درصد حجم درختان دارای قطر بالای ۶۵ سانتی‌متر هستند و ۳۴ درصد آنها قطر بالای ۸۵ سانتی‌متر دارند. از نظر کیفیت نیز، ۶۲ درصد درختان جنگلی، درجه سه و چهار هستند و قابلیت تولید چوب صنعتی را ندارند. درختان مسن و قطور، از رشد باز ایستاده‌اند و به تدریج می‌پوسند. بهره‌برداری پایدار و اصولی از منابع طبیعی در قالب طرح‌های جنگلداری، یک الزام فنی، محیط‌زیستی و اقتصادی است. با

برداشت و خروج بخشی از درختان مسن، افتاده، سرشکسته، خشک و معیوب، فضا برای رشد درختان جوان فراهم می‌شود. این کار، که نوعی از عملیات پرورشی محسوب می‌شود، موجب استفاده از این ثروت ملی، ارتقای کمی و کیفی توده جنگلی و افزایش قابلیت‌های محیط‌زیستی این اکوسیستم‌ها، مانند افزایش میزان جذب و ذخیره‌سازی آب و فراهم‌شدن زمینه برای زادآوری می‌شود. با خروج کسری از درختان افتاده، ریشه‌کن و خشک از جنگل، بستر جنگل آماده رویش نهال‌های جدید و استمرار تولید می‌شود. رشد نهال‌ها و درختان جوان تسریع می‌شود و رشد کمی توده جنگلی و حجم درختان سرپا افزایش می‌یابد. تولید اکسیژن و جذب کربن و جلوگیری از فرسایش خاک بهتر انجام می‌شود. این امر در ایجاد مشاغل مولد و ایجاد درآمد برای روستاییان و جنگل‌نشینان و تأمین نیازهای چوبی جامعه نیز مؤثر خواهد بود.

با رعایت دقیق اصول مندرج در طرح‌های جنگلداری، امکان استفاده مداوم و حداکثری از جنگل، با حفظ پایداری آن وجود دارد. جنگل هم یک واحد اقتصادی است و به‌عنوان یک سرمایه، می‌تواند به‌طور مستمر، تولید درآمد نماید و با رعایت اصول علم جنگلداری، هیچ‌وقت تولید آن متوقف نمی‌شود. جنگل یک منبع طبیعی تجدیدشونده است و قدرت خودحیایی دارد. هدف از دخالت در جنگل پرورش، هدایت و اصلاح توده است.

توده‌های جنگلی، اعم از کاملاً تخریب‌یافته، متوسط و مطلوب، نیاز به طرح جنگلداری دارند. میزان برداشت در طرح‌های جنگلداری مصوب سازمان جنگل‌ها در چندین سال اخیر، به‌اندازه یک درصد موجودی جنگل بوده است. این میزان برداشت، کمتر از میزان رویش جنگل (دو تا دو و نیم متر مکعب در هکتار) برآورد شده است. بنابراین، نمی‌تواند موجب تخریب جنگل شود. یکی از رسالت‌های علم جنگل اصلاح و بهره‌برداری از این سرمایه با هدف «به‌تعادل رساندن جنگل» است. در طرح جنگلداری نخست، «پرورش و اصلاح جنگل» و بعد «تولید محصول» مدنظر است. رویکرد سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نیز درباره جنگل‌ها عبارت است از: حفاظت، احیا، توسعه و سپس بهره‌برداری.

ب) معایب یا ابهامات طرح‌های جنگلداری

باوجود همه فواید و محاسن طرح‌های جنگلداری، آیا آنچه در این ۶۰ سال دوره بهره‌برداری از جنگل رخ داده، کاملاً در چهارچوب ضوابط، دستورالعمل‌ها و شرایط مندرج در طرح‌ها بوده است؟ یا از این مهم‌تر، آیا طرح‌های تدوین‌شده کاملاً براساس اطلاعات و داده‌های کافی و براساس اصول علمی تدوین شده‌اند؟ برداشت قانونی چوب از جنگل به‌میزان پیش‌بینی‌شده در طرح بوده است یا بیشتر؟ برداشت غیرقانونی انجام شده است یا خیر؟ آیا پیمانکاران در برداشت چوب نقش داشته و اعمال نظر کرده‌اند یا خیر؟

البته عوامل تخریب در جنگل‌ها بسیارند و نمی‌توان همه آنها را به بهره‌برداری چوب از جنگل مرتبط کرد. مواردی از جمله خشکیدگی



گونه‌ها، طغیان آفات و بیماری‌ها، کاهش تنوع زیستی، ویلاسازی‌ها، حضور دام بیش از ظرفیت در جنگل، برداشت معادن، قاچاق چوب و غیره، مشکلاتی هستند که به اجرای طرح‌های بهره‌برداری ارتباطی ندارند. متأسفانه دخالت در جنگل در مناطق دارای طرح، فقط از طریق طرح‌های جنگلداری نیست، بلکه بسیاری از عوامل ناسازگار برای جنگل، از جمله جنگل‌نشینان، روستاهای اطراف جنگل‌ها، دامداری‌ها، گسترش و توسعه زمین‌خواری و تجاوز به جنگل‌ها و دست‌اندازی‌های برخی از ارگان‌های دولتی و شبه‌دولتی، اجرای طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای بدون مطالعات محیط‌زیستی، موجب تخریب جنگل‌ها و اختلال در اجرای صحیح طرح‌های جنگلداری شده‌اند.

بنابراین، بهره‌برداری اصولی و در چهارچوب اصول علمی نه تنها مخرب نیست، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریت پایدار جنگل، می‌تواند زمینه‌ساز هدایت و اصلاح توده‌های جنگلی شود. آنچه در خلال اجرای ۶۰ ساله این طرح اتفاق افتاده و موجب نگرانی جدی دلسوزان شده است، دو چیز است:

۱- اجرای غلط و خارج از چهارچوب طرح‌های جنگلداری از سوی مجریان طرح‌ها
۲- تخلفات و دستبردهای غیرقانونی به جنگل، که هیچ ارتباطی با طرح‌های جنگلداری ندارند.

در صورت درست بودن این تحلیل، آیا راه‌حل برون‌رفت از این مشکل، پاک کردن صورت مسئله است؟ به نظر می‌رسد توقف طرح‌های جنگلداری، هیچ نقشی در مرتفع کردن ناهنجاری‌های مندرج در بند دو ندارد و آن تخلفات، نه تنها می‌توانند کماکان ادامه یابند، بلکه به علت نبود حضور جنگلبانان مرتبط با طرح‌های جنگلداری، شدت هم بیابند. رفع ایرادات بند یک، یعنی جلوگیری از اجرای غلط و خارج از چهارچوب طرح‌های جنگلداری از سوی مجریان طرح‌ها، نیز می‌تواند با اعمال تجدیدنظری در روش‌های مدیریتی و نظارتی، حاصل شود. بنابراین، امکان بهبود اوضاع جنگل‌ها و حفظ و تداوم حیات پویا و سالم و درعین حال غنی جنگل‌ها، با اجرای درست طرح‌های جنگلداری نیز وجود داشت و نیازی به توقف آن طرح‌ها نبود.

ج) مزایا، معایب و ابهامات طرح تنفس جنگل

البته نباید فراموش کرد، اجرای طرح تنفس نیز توانست فواید و دستاوردهایی را برای جنگل‌های کشور به بار آورد، از جمله:

۱- از خروج بسیاری از درختان تنومند، نادر و ارزشمند جنگل‌ها جلوگیری کرد.

۲- روند تخریب را در برخی از نقاط جنگل، در کوتاه‌مدت کاهش داد.

۳- صدای گوش‌خراش اره‌موتوری در جنگل‌ها قطع شد و در سایه سکوت حاکم بر جنگل‌ها، پرندگان و پستانداران و سایر وحوش و جانوران گریخته از جنگل، دوباره با جنگل آشتی کردند و به

خانه‌های خود بازگشتند.

۴- جنگلی که در برخی نقاط به خاطر برداشت بی‌رویه و غیراصولی، از رمق و نفس افتاده بود، فرصت استراحت و تجدید قوایی به دست آورد و به‌طور نسبی خود را از تخریب و نابودی نجات داد.

اما به نظر می‌رسد، ایجاد چنین انقلاب و تحول بزرگ در مدیریت جنگل‌ها و کنارگذاشتن رویه ۶۰ ساله گذشته، باید بسیار بیشتر از اینها، مبارک و مفید فایده واقع می‌شد، به طوری که بسیاری از ایرادات و ناهنجاری‌های پدیدآمده در طول آن ۶۰ سال بهبود می‌یافت. شاید دلیل اصلی این ناکامی، این باشد که مسئولین مربوطه به اندازه کافی به این حرکت بزرگ و این تغییر رویکرد راهبردی (که بسیاری از نظام‌ها، نهادها و رویه‌های سنتی و مرسوم و عرفی‌شده را به هم ریخت و به‌ناچار باید برای آنها جایگزین مناسبی تدارک دیده می‌شد) اهمیت ندادند و همگان را ملزم به اجرای دقیق، کامل و مقتدرانه آن نکردند. حداقل کاری که باید انجام می‌شد (که نشد)، این بود که باید بلافاصله پس از ابللاغ توقف طرح‌های جنگلداری، نسبت به اجرای سایر بندهای قانون نیز اهتمام وافی به خرج داده و به موارد زیر نیز پرداخته می‌شد:

۱- در اسرع وقت طرحی جامع، کامل، علمی و قابل اجرا برای «مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی» و «جنگلداری نوین» تدوین می‌شد و به اجرا در می‌آمد.

۲- برای ادامه زندگی، کار و معیشت تک‌تک دست‌اندرکاران، عاملان، ذی‌نفعان و بازیگران فرایند طرح‌های جنگلداری، از ابتدای مطالعه، تدوین، تصویب، ابلاغ و اجرای (نشانه‌گذاری، قطع، خارج‌سازی، حمل چوب)، واکاری و نهال‌کاری و احیای مناطق بهره‌برداری‌شده، حفاظت از طرح‌های احیا، کارگاه‌ها و کارخانه‌های چوب و کاغذ و غیره، که سال‌ها با این روند و فرایند خو گرفته بودند و زندگی‌شان به آن وابسته بود، برنامه‌ریزی همه‌جانبه می‌شد. تا هم آنان با شوک‌های مخربی مواجه نشوند و هم کشور بتواند از آنان به‌نحو مقتضی بهره‌مند شود.

۳- تلاش جدی برای حفظ و حراست از جنگل‌ها، این عرصه‌های وسیع و بسیار باارزش، که پس از اجرای طرح، کمابیش رها شده بودند، می‌شد.

۴- زیرساخت‌ها و راه‌های جنگلی، که با صرف اعتبارات بسیار کلان و طی سال‌های متعددی احداث شده‌اند، به‌موقع و کامل حفاظت، مرمت و بازسازی می‌شدند.

۵- با استمداد از قوه مقننه و قضائیه، ترتیبی اتخاذ می‌شد تا از بروز تخلفات و دستبردهای غیرقانونی به جنگل (اعم از قاچاق چوب، تخریب جنگل برای ویلاسازی‌ها، ورود دام سنگین به جنگل، جنگل‌خواری، برداشت معادن و غیره) جلوگیری می‌شد.

۶- دستورالعمل علمی و کارشناسی برای درختان خشک سرپا، شکسته، افتاده و ریشه‌کن شده تدوین می‌شد. به طوری که ضمن حفظ بخشی از آنها در جنگل، برای حفظ تنوع زیستی، رشد انواع قارچ‌ها و میکروارگانیسم‌های چوب‌زی، ایجاد پناهگاه برای بسیاری از حشرات و سایر بندپایان و جانوران، غنی‌بخشی به خاک جنگل و

غیره، نسبت به تخلیه باقی آنها از جنگل برای استفاده بهینه از آنان، تدبیری مناسب اتخاذ می‌شد.

۷- برای بخش‌هایی از جنگل که مخروبه یا نیمه‌مخروبه و ضعیف شده‌اند، طرح‌های احیایی لازم تدوین و اجرا می‌شد.

راه‌حل: «هم این و هم آن»، «نه این و نه آن»

همان‌طور که ذکر شد، رویکرد این نوشتار پرهیز از دوگانه‌سازی «طرح‌های جنگل‌داری» یا «طرح تنفس جنگل» است. هر کدام از این دو رویکرد، مزایا و معایب خود را دارند. در هر دوی این رویکردها، نکته مهم و اساسی این است که هیچ‌کدام به‌طور دقیق و کامل و با نظارت جدی و مستمر و بدون انحراف از اهداف اصلی خود، به اجرا در نیامده‌اند. در کنار همه مزایا و محاسنی که از هر دو طرح ذکر شد، دریافته‌ایم که نه طرح‌های جنگل‌داری به‌طور کامل و بدون ایراد، اجرا شده‌اند و نه طرح تنفس جنگل بدون عیب و ایراد بوده است.

به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- با توجه به مبانی علم بوم‌شناسی، نگاه ما به جنگل‌ها باید از «منبعی برای استخراج چوب»، به منظومه‌ای زنده، پویا و بسیار ارزشمند از نظر محیط‌زیست و ارائه‌دهنده ده‌ها نوع خدمت حیاتی به بشر، سایر موجودات زنده و نیز بقیه اجزای طبیعت تغییر یابد.

۲- جنگل‌های هیرکانی، باید از لحاظ قدمت تاریخی، به‌عنوان میراثی ارزشمند و چندمیلیون‌ساله و منحصر به فرد مورد توجه واقع شوند.

۳- استفاده از این گنجینه ارزشمند، حتی چوب آن، باید با دقت و احتیاط و براساس اصول مسلم علمی و کارشناسی انجام شود.

۴- داشتن طرح و برنامه برای مدیریت جنگل، چه در قالب «طرح‌های جنگل‌داری» و چه در چهارچوب «مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی» و چه «جنگل‌داری نوین» ضروریست.

۵- یکی از رسالت‌های علم جنگل، اصلاح و بهره‌برداری جنگل‌ها با هدف «به‌تعادل رساندن جنگل» از طریق نخست «اصلاح و پرورش جنگل» و بعد، «تولید محصول» است. رویکرد سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نیز در همین چهارچوب یعنی: حفاظت، احیا، توسعه و سپس بهره‌برداری تعریف شده است.

۶- نیل به هدف مندرج در بند پنج، با اجرای درست طرح‌های جنگل‌داری امکان‌پذیر بود. اما آنچه در خلال اجرای ۶۰ ساله طرح‌های جنگل‌داری اتفاق افتاد، دو چیز است: یک، اجرای غلط و خارج از چهارچوب طرح‌های جنگل‌داری از سوی مجریان طرح‌ها، دو، تخلفات و دستبردهای غیرقانونی به جنگل، که هیچ ارتباطی با طرح‌های جنگل‌داری ندارد.

۷- به نظر می‌رسد راه‌حل برون‌رفت از این مشکل، می‌توانست توقف طرح‌های جنگل‌داری نباشد، زیرا توقف طرح‌های جنگل‌داری هیچ نقشی در مرتفع‌کردن تخلفات و دستبردهای غیرقانونی ندارد و آن تخلفات، حتی می‌تواند شدت هم بیابند. رفع ایرادات طرح‌های جنگل‌داری نیز می‌توانست با اعمال تجدیدنظرهایی در روش‌های مدیریتی و نظارتی حاصل شود.

۸- اما کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد و با ایجاد انقلابی در مدیریت جنگل‌ها و تغییر رویکرد راهبردی و کنارگذاشتن رویه ۶۰ ساله گذشته، نظام‌ها و نهادها و رویه‌های سنتی و مرسوم و عرفی‌شده را به هم ریخت.

۹- این تغییر راهبردی مزایایی مانند جلوگیری از خروج بسیاری از درختان نادر از جنگل، کاهش روند تخریب در برخی از نقاط جنگل، بازگشت حیات‌وحش به جنگل و فراهم‌شدن فرصت استراحت و تجدیدقوا، برای نجات از نابودی داشت، اما به‌علت تعلل و تأخیر در تدوین و اجرای طرح جایگزین و اجرای ناقص طرح تنفس، متأسفانه این طرح هم نتوانست به اهداف خود نایل شود.

۱۰- عاملان و بازیگران طرح‌های جنگل‌داری به حال خود رها شدند، حفظ و حراست از جنگل‌ها و نگهداری و مرمت راه‌های جنگلی تضعیف شد، قاچاق چوب و ورود دام سنگین به جنگل افزایش یافت، تکلیف درختان افتاده مشخص نشد و برای جنگل‌های مخروبه، طرح‌های احیایی لازم تدوین و اجرا نشد.

چه باید کرد؟

و اما چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد در حال حاضر، تنها راه مواجهه با چالش‌های پیش‌رو، تدوین هرچه سریع‌تر طرح مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی و جنگل‌داری نوین، با استفاده از همه ظرفیت‌های علمی کشور، به‌ویژه مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور باشد. در این طرح باید به همه جنبه‌های مدیریتی جنگل‌ها (که مستلزم استفاده حداکثری از همه ظرفیت‌ها و خدمات این زیست‌بوم ارزشمند، از جمله برداشت علمی و کارشناسانه از چوب‌های تولیدی با تأکید بر حفظ و نگهداری پایدار، اصلاح، احیا و توسعه جنگل‌های شمال کشور است) توجه جدی شود. به عبارت دیگر، باید از تمام نقاط قوت، ظرفیت‌ها و توان علمی و کارشناسی مندرج در هر دو طرح جنگل‌داری و تنفس جنگل، با پرهیز از هر گونه گرایش یا جهت‌گیری غیرعلمی، حداکثر استفاده بهینه را به عمل آورد، تا ضمن کسب حداکثر بهره از این سرمایه عظیم، به اصلاح، احیا و توسعه آن نیز همت گمارد.